

<p>■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیماي جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی</p>		<p>حدیث روز:</p> <p>پارچ‌ترین مردم کسی است که آنچه را به او مربوط نیست، رها کند.</p>
<p>واحه:</p> <p>گر قالبیت در خاک شد جان تو بر افلاک شد</p> <p>گر خرقه تو چاک شد جان تو را نبود فنا</p>		<p>اوقات شرعی:</p> <p>اذان ظهر: ۱۷/۵۰</p> <p>اذان مغرب: ۱۷/۱۴</p> <p>اذان صبح (فردا): ۵/۸۰</p> <p>غروب آفتاب: ۱۶/۵۵</p> <p>نیمه شب شرعی: ۲۳/۰۶</p> <p>طلوع خورشید (فردا): ۶/۴۵</p>
<p>وضعیت آب و هوای امروز</p> <p>تهران ۹ / ۶</p> <p>ایلام ۱۷ / ۴</p> <p>ارومیه ۹ / ۱</p> <p>بندرعباس ۳۰ / ۱۶</p> <p>بجنورد ۷ / -۴</p> <p>زاهدان ۱۳ / -۲</p> <p>زنجان ۷ / ۰</p> <p>گرگان ۱۳ / ۱</p>		<p>حکمت ۳۰:</p> <p>تبرسید، تبرسید، به خدا سوگند که گاه چنان گناه را می‌پوشاند که پنداری آن را بخشیده است.</p>

این فرق که جای انتشارش تغییر کرده و به تلویزیون نقل مکان کرده؛ سریال‌های پرپיبنده مگر غیراز یاورقی است؟

پیش‌ترها گفته بودم: در حال و امروز دیگر باید بر مرگ کتاب سوکواری کرد. کشور ۸ میلیونی که شمار دانشجویانش درکل از ۲۰ میلیون می‌گذرد، واقعا مایه اندوه و نگرانی و ناامیدی به آینده فرهنگ کشور است.

فناوری دیجیتال دلیل سقوط شمارگان نیست؟

تاثیرگذار که هست اما راه‌های مقابله با اثراتش هم وجود دارد. آخرین آمارها در آلمان، انگلیس و آمریکا افزایش توجه مردم را به کتاب کاغذی نشان می‌دهد. اهل فرهنگ دریافت‌ه‌اند اندک اطلاعاتی که در تلفن همراه شان می‌آید، بیشتر نقش تیت‌ر را دارد تا تفسیر و تحلیل خبر. جدا از مشکل ممیزی، مقامات فرهنگی جز برگزاری سالی یک‌بار نمایشگاه کتاب، گامی برای گسترش کتابخوانی بر نمی‌دارند. در مدارس دیگر کشورها برای این مهم برنامه‌های متعددی پیاده می‌کنند. این بی‌اعتنایی بچه‌های ما را به موجوداتی سمعی - بصری تبدیل کرده‌است. رشد این وسایل نشان‌دهنده همین است. ولی خواننده در کتابخوانی نقش صحنه‌آر، قهرمان و شخصیت‌ها و مسائل دیگر را بازی می‌کند و در نهایت به رشد فکری می‌انجامد.

سخت‌ترین دوران عمر؟

از ۵۹ تا ۱۳ سالی که خانه‌نشین بودم؛ چون مطلقا دست به قلم نبردم و این برای مثل من که هفته‌ای صدها ورق می‌نوشت، حکم مرگ تدریجی داشت.

مهم‌تر آغاز داستان است یا پایانش؟

آغاز داستان، و پترین کتاب است جذابیت کالا در پرتو و پترین است که مشتری را میخکوب می‌کند.

دوست دارید پایان زندگی‌تان چگونه‌باشد؟

در حال نوشتن آخرین داستان، زندگی‌ما پایان گیرد.

آن خط فکری بود. اگر شخصیت داستان‌هایتان واقعا نیمه‌شب در خانه‌تان را بزنند، چه حالی می‌شوید؟

برایتان گفتم که شخصیت داستان‌هایم همه حقیقی‌اند و میان من و آنها در دوره گفت‌وگو برای نوشتن کتاب اغلب دوستی برقرار شده و عادت به دیدارشان دارم؛ پس هرگز مایه حیرتم نمی‌شود.

آنها که در گذشته‌اند؟

عکس‌هایشان در اتاقم حضور دارد.

حس‌تان از تحریریه؟

من از آن جوانانی بودم که شغلم همانی شد که می‌خواستم. علاقه‌ام به روزنامه‌نگاری طوری بود که اوقات بیکاری را هم در تحریریه می‌گذراندم. شدت علاقه همیشه نوآوری می‌آورد؛ شاید به همین خاطر مجله جوانان را به [جایگاه] پرتیرازترین نشریه رساندم.

((لکون زندگی یک مطبوعاتی بدون کار دوم نمی‌چرخد)) درآمد شما؟

از سال ۳۵ تصمیم گرفتم نویسنده حرفه‌ای باشم؛ آنقدر که پیشرفت و شهرت مرا خوشحال می‌ساخت. پول برایم اهمیتی نداشت. هنوز هم زندگی من در خدمت معمول از مسکن - سمعی - بصری تبدیل کرده‌است. رشد این وسایل نشان‌دهنده همین است. ولی خواننده در کتابخوانی نقش صحنه‌آر، قهرمان و شخصیت‌ها و مسائل دیگر را بازی می‌کند و در نهایت به رشد فکری می‌انجامد.

آثار کهن فارسی از منابع پژوهشی و الهام شما بوده؟

داستان‌های عوفی نظامی و... تا چه حد به کار نویسنده امروز می‌آید؟

از ۱۳ سالی که به تهران آمدم، شب و روزم با کتاب می‌گذشت. اغلب آثار بزرگان ادبیات جهان را دوره دبیرستان خواندم. داستان‌های رومن رولان مثل جان شیفته موثره علاقه‌ام بود. دن آرام شولوخوف، سیدارتای هرمان هسه، جنایت و مکافات داستایفسکی، برپا درفته مارگارت میچل، خوشه‌های خشم اشتاین بک، تنگسیر چوبک، دولت‌آبادی و هدایت.

شماری شاهکار ادبی ابتدا پاورقی بودند. چرا دیگر پاورقی رونق دارد بیشتر از گذشته؛ با



زمان عاشقانه عارفانه‌آبی عشق آغازشد. مفتخرم برای اولین‌بار در عصر حاضر عرفان را وارد رمان ایرانی کردم. از آنجاکه متون عرفانی برای جوان‌ها مشکل است، از طریق داستانی امروزی با این مکتب بزرگ انسانی آشنا می‌شوند.

شماونقیدباوری و نقدپذیری؟

این پرسش مرا یاد نخستین داستانم «تو بیست داغم‌کن» انداخت. سال ۴۰ شش‌ماهه به چاپ‌هفتم رسید. دیدم منتقدان هیچ اشاره‌ای به آن نکردند. با این‌که من پیشرفت نویسنده را در نقد آثارش می‌دانستم، روزی به مجله راهنمای کتاب رفتم که زیرنظر ایرج افشار بود. به هیات تحریریه گفتم آیا اثری قابل بررسی است یا نه؟ لطفا نقدش کنید. دکتر احمد اقتداری نقدی نوشت که آگاهای بسیار به من بخشید. ساکن محله‌غم داستان بعدی‌ام بود. منتقدان آن دوره تحت تاثیر ادبیات چپ استالینیستی بودند و به آثاری توجه می‌کردند که در

نویسنده، فرزند زمانه خویش است؛ چون سوزۀ داستان‌های واقعی است، ابعاد زندگی واقعی در آنها منعکس می‌شود.

بزرگامی که نگرش‌تان در کسان شد؟

سه داستان اولیه‌ام اجتماعی - انتقادی بود. زود دریافت این‌گونه داستان‌ها تاریخ مصرف‌دار است داستان‌هایی که جنبه سیاسی - اقتصادی دارند نیز همین‌طور- عشق مقدس‌ترین احساس بشری است و متعلق به همه اعصار است. از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر/ یادگاری که... داستان‌های عاشقانه ایرانی (ویس و رامین...) و عاشقانه‌های شکسپیر همیشه خواننده دارد چون عشق، کهنگی نمی‌پذیرد

آغاز عاشقانه نوشتن؟

از سال ۴۵ به صورت پاورقی در مجله جوانان. چون برآمده از واقعیت زندگی عاشقانه جوان‌ها بود، بسیار گل‌کرد. دیگر بزرگا و تغییر در نگرش‌هایم با نشر

او با زندگی روبه‌رو شود هنوز خوانندگانی با اصرار از من نشانی شهرزاد را می‌خواهند

عاشقانگی داستان‌هایتان؟

من در این زندگی طولانی یک‌دم بی عشق نبوده‌ام. خوانندگان می‌گویند با داستان‌های شما عشق را شناختم عاشق شدم ازدواج کردیم و با عشق زندگی می‌کنیم اخیرا مرا «عالیجناب عشق» صدامی‌زنند.

استقبال از داستان‌های عرفانی‌تان؟

عشق، پایه عرفان است؛ از عشق به انسان تا عشق به خدا. مدت‌ها بود که می‌خواستم عشق عرفانی را به شکلی امروزی وارد ادبیات کنم. آبی عشق نخستین داستانم از این دست است. آخرینشان سفر عشق به سلطان ساوالان است که معاصر کردن داستان جاودانه عطار (منطق‌الطیر) هدفش بود.

تاثیر واقعیات زندگی در داستان‌هایتان؟

شما یه آگاهی که نگرش‌تان در کسان شد؟

سه داستان اولیه‌ام اجتماعی - انتقادی بود. زود دریافت این‌گونه داستان‌ها تاریخ مصرف‌دار است داستان‌هایی که جنبه سیاسی - اقتصادی دارند نیز همین‌طور- عشق مقدس‌ترین احساس بشری است و متعلق به همه اعصار است. از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر/ یادگاری که... داستان‌های عاشقانه ایرانی (ویس و رامین...) و عاشقانه‌های شکسپیر همیشه خواننده دارد چون عشق، کهنگی نمی‌پذیرد

گفت‌وگو با ر. اعتمادی؛ نویسنده و روزنامه‌نگار پیشکسوت

عمر داستان، کوتاه است

« بای بسم... مناسبتش آغاز قرن بیست و یکم بود که انجمن روزنامه‌نگاران جهان ۱۰ روزنامه‌نگار را برگزید و گرامی داشت که را اعتمادی به خاطر جلب فراگیر مخاطب یکی از ایشان بود و یکی از برنامه‌ها دیدار از روزنامه نیویورکی نیوژودی؛ سردبیر در ضیافت ناهار از استاد برای اقامت در آمریکا و همکاریشان با آن نشریه دعوت کرد البته پس از بررسی تیت‌رهایی که برآیند نگره حرفه‌ای ایشان بوده. اکنون هم با دهه ۴۰ و ۵۰ فرقی نکرده؛ استقبال مخاطبان را می‌گویم در نشست‌های دانشگاهی یا مردمی در تهران یا شهرستان‌ها رویکرد مهربانه مردم به ایشان چنان است که به گفته خودشان: مایه حیرتم می‌شود. مهم‌ترین که مرابه آغوش می‌کشند با من عکس می‌گیرند و از خاطرات شان و اثرگذاری داستان‌هایم با آب و تاب می‌گویند گزارش شکل گرفتن این هم‌سخنی از تابستان پارسال تا کنون خودش داستانی می‌شود شایسته‌تر آن‌که فضا را به گفت‌وگو بدهیم. بسم!... تاکید ایشان بود که تنها نام حرفه‌ای شان در ج شود.



علی مظاهری
روزنامه‌نگار

حال هم به سرعت تغییر می‌کند زودگذر است.

پس برای ادبیات چه می‌ماند؟

اثری که جنبه سرگرمی دارد، بیشتر در قفسه هادام می‌آورد.

تکلیف خلاقیات و اندیشه؟

منافاتی با سرگرمی ندارند.

در ایران که برخی نویسنده‌ها را مصلح کل و رهبر جاودانه می‌شمارند؟

درست می‌فرمایید برخی منتقدان ما هنوز در قرون گذشته زندگی می‌کنند. هنوز چهار پنج نویسنده ایدئولوژی‌زده چپ‌اندیش را تقدیس می‌کنند.

منابع الهام این ۶۰ سال قصه نویسی‌تان؟

نویسندگان دو دسته‌اند: آن‌ها که با الهام و برداشت‌های شخصی قصه‌ای تخیلی خلق می‌کنند و گروهی که از زندگی واقعی برداشت کرده و قصه می‌سازند. از آنجاکه حرفه اول و آخرم روزنامه‌نویسی و خبرنگاری است عادت کرده‌ام ب‌روم سر صحنه واقعه، ببینم و بنویسم؛ کاری که در داستان‌پردازی هم دنبالش را گرفته‌ام. گاهی نیز از طریق خبری چاپ‌شده در نشریه‌ای با سوزۀ مواجهه می‌شوم که می‌روم و قهرمانان خبر یا حادثه را پیدا می‌کنم و با آنها به گفت‌وگو می‌نشینم و قصه‌ای ساز می‌کنم یا خودم مردم که می‌دانند داستان‌هایم برپایه واقعیات است به دیدن می‌آیند و قصه هاشان را تعریف می‌کنند.

شمار نوشتار شما؟

۴۲ کتاب و ۵ کتاب که زیر ممیزی

نگره ما ایرانی‌ها درباره قصه نویسی؟

به قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ بر می‌گردد. منتقدان ما هنوز برداشت‌های ایدئولوژیک قرن نوزدهمی را در بررسی آثار نویسندگان به کار می‌بندند درحالی‌که ایده‌ها تغییر کرده و آن داشته‌ها بوی کهنگی گرفته.

تکان دهنده‌ترین مساله برای نویسنده؟

هائری را کمیو رساله‌ای دارد که مجله بخارا ترجمه آن را نشر داده؛ در این رساله آمده در عصر کنونی نه نویسنده جاودان داریم نه کتاب جاودانه؛ عصر نویسندگان فرهیخته نظیر ولتر و ژول و هوگو زید توستوی پایان یافته‌است.

چرا استاد؟

عرضه و تقاضا نوع دیگری از ادبیات را جایگزین تخصص‌گرایی و تخصص‌شدن حوزه‌ها کرده، چونان گذشته نویسنده نمی‌تواند در همه زمینه‌ها نظریه‌ده پس عملا کتاب و نویسنده جاودان از دوران مارخست برپسته.

پنویس جامعه در این باره؟

توسعه فناوری جامعه را ناگزیر می‌کند این مرگ جاودانگی را بپذیرد.

مثال؟

هری پاتر که تا چند سال پیش چقدر خواهان داشت، اکنون به خاطره پیوسته چون به سرعت با آثاری دیگر جاگزین شده.

دقیق‌ترین‌گوییید؟

ادبیات داستانی عمری کوتاه دارد و محصول زمان است؛ زمان



قیمت دلار واقعی نیست

نماینده مردم رشت و عضو کمیسیون برنامه و بودجه اعلام کرد: با توجه به این که بانک مرکزی نرخ ارز را ۷۹۰ تومان اعلام کرده‌است، قیمت ارز در بازار آزاد کمتر از این نخواهد شد.

دکتر نویخت در گفت‌وگو با شبکه دو توضیح داد: قیمت ۱۷۵ تومانی دلار و قیمتی که در بازار وجود دارد، واقعی نیستند.

وی با اشاره به این که عمده مشتریان ارز در بازار شرکت‌های دولتی هستند، گفت: سوق دادن آنها به منابع خارجی تقاضای بازار ارز را کم می‌کند و این موضوع باعث کاهش نرخ ارز شده‌است. (صفحه ۴)

طبق شنیده‌های جام جم منصور پورحیدری قرار است در یک نشست نظرات خود درباره مسائل تیم استقلال را به هیات‌مدیره بگوید. او معتقد است باشگاه طبق برنامه و با هماهنگی با او کار نمی‌کند و برخی در داخل باشگاه قصد برهم زدن نظر و تضعیف روحیه تیم را دارند؛ به همین دلیل پورحیدری درخواست مرخصی کرده‌است. او تصمیم دارد برای مدتی به کیش سفر کند. حال باید منتظر نتیجه جلسه شد و دید آیا پورحیدری از استقلال جدا می‌شود یا خیر؟ (صفحه ۱۵)

پورحیدری از استقلال می‌رود؟

طبق شنیده‌های جام جم منصور پورحیدری قرار است در یک نشست نظرات خود درباره مسائل تیم استقلال را به هیات‌مدیره بگوید. او معتقد است باشگاه طبق برنامه و با هماهنگی با او کار نمی‌کند و برخی در داخل باشگاه قصد برهم زدن نظر و تضعیف روحیه تیم را دارند؛ به همین دلیل پورحیدری درخواست مرخصی کرده‌است. او تصمیم دارد برای مدتی به کیش سفر کند. حال باید منتظر نتیجه جلسه شد و دید آیا پورحیدری از استقلال جدا می‌شود یا خیر؟ (صفحه ۱۵)

پرنندگان در خواب تمرین آواز می‌کنند

پژوهش درباره خواب‌دیدن پرنندگان آوازخوان چگونگی یادگیری حیوانات و شاید انسان را مشخص می‌کند. پژوهشگران آمریکایی دریافت‌ه‌اند پرنندگان آوازخوان جوان در خواب نوب سِرودهای خود را تمرین می‌کنند به اعتقاد آنها ممکن است این امر به شناخت بیشتری در مورد نحوه یادگیری حرف‌زدن کودکان کمک کند. (صفحه ۱۲)



نظر رهبر انقلاب درباره مردم سالاری دینی

آیت‌ا... خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب در ادامه سفر به استان مرکزی دیروز در جمع مردم ساهو سخنرانی کردند.

ایشان فرمودند: اسلام پایه‌گذار حکومت مردم سالاری به شکل حقیقی است و ادعای دموکراسی در کشورهای غربی ادعایی اشتباه است. امروز مردم سالاری دینی در نظام جمهوری اسلامی ایران حرفی نو و جدید است که توجه بسیاری از ملت‌ها و شخصیت‌ها و روشنفکران عالم را به سمت خود جلب کرده‌است... در نظام جمهوری اسلامی، حقوق مردم و مسؤولان دو جانبه است که در این میان حقوق مردم از تاکید و اهمیت بیشتری برخوردار است. (صفحات یک و دو)

راموس بازنشسته شد

تب راموس آشناترین چهره فوتبال آمریکا اعلام بازنشستگی کرد. راموس ۳۴ ساله که سابقه حضور در سه دوره جام جهانی همراه با تیم ملی کشورش را دارد، علت خدا حافظی خود را گذراندن اوقات بیشتر با خانواده‌اش ذکر کرد. او که عضویت باشگاه مترو استاز را هم دارد در این باره گفت: تصمیم‌گیری بسیار سختی بود؛ چراکه بودن همراه تیم ملی کشورم مدام در حال پیشرفت است و این بسیار لذت بخش است. (صفحه ۱۵)



معنای مختلف @

نان گرد در چینی، موش، دم میمون و... چه وجه اشتراکی با هم دارند؟ شاید جواب دور از ذهن باشد اما اینها واژه‌هایی هستند که در زبان‌های مختلف برای توصیف «at sign» که به شکل @ در رایانه کاربرد دارد مورد استفاده قرار می‌گیرد. کارن چونگ از دانشگاه ملی تایوان می‌گوید در فرهنگ‌های مختلف نام‌های گوناگونی برای این علامت استفاده می‌شود. برای مثال در چین به آن موش می‌گویند و در دانمارک خرطوم فیل، در هلند دم میمون، مجارستان کرم، سوئد پای گربه و نان، صرب‌های دیوانه... اما ایرانی‌ها هنوز به آن نامی نداده‌اند. (صفحه ۹)